



Revolution Studies
Volume 02, No.04, Autumn & Winter 2024- 5 (Serial 4)

**Women in Islamic Discourse and Western Modernity and Challenges Ahead
in the Era of Globalization**

Yousef Torabi¹

Doi :10.22034/fademo.2025.504308.1084

Abstract

The Islamic revolution was the messenger of new spiritual and moral values for humanity at the end of the 20th century, the most important of which is the attention to human identity and the fight against sexual objectification and women's nudity. The transformation of women into sexual goods and the collapse of the family is the gift of modernity and western civilization. The main goal of the article is to examine the position of women in the Islamic discourse and the discourse of Western modernity, and the issue that is sought to be investigated is to examine the challenges facing women in the age of globalization. Methodology: The present research is in terms of the developmental goal and the type of qualitative research that has been done using document analysis and library resources. The statistical population of the research is the available sources and documents and the type of targeted sampling is simple. Research tools include documents related to women. Research findings: In the Islamic discourse, a woman has a human identity like a man and has a wide range of dignity and rights, and plays an important and determining role in the family and society, and at the same time, she enjoys unfair sexual discrimination and justice in the society. In the discourse of western modernity, women's identity has been reduced to a sexual commodity, with the challenges of: increase in violence, sexual abuse and harassment, increase in global sex trade.

Keywords: Islamic discourse, western modernity, globalization, women, identity

1. Associate Professor of Political Science, Amin University of Police Sciences, Tehran, Iran
Utorabi14@gmail.com



زن در گفتمان اسلامی و مدرنیته غربی و چالش‌های فرارو در عصر جهانی‌سازی

یوسف ترابی کنجین^۱

doi: 10.22034/fademo.2025.504308.1084

چکیده: انقلاب اسلامی پیام‌آور ارزش‌های نوین معنوی و اخلاقی برای بشریت در اواخر قرن بیستم میلادی بود که از مهم‌ترین آنها، اهتمام به هویت انسانی و مبارزه با شیء انگاری جنسی و عربانی زن است. تبدیل شدن زن به کالای جنسی و فروپاشی خانواده ارمغان مدرنیته و تمدن غرب است. هدف اصلی مقاله، بررسی جایگاه زن در گفتمان اسلامی و گفتمان مدرنیته بوده و مسئله‌ای که به دنبال بررسی آن است عبارت است از بررسی چالش‌های فراروی زن در عصر جهانی‌سازی. تحقیق حاضر به لحاظ هدف توسعه‌ای و از نوع تحقیقات کیفی است که با استفاده از تحلیل اسنادی و منابع کتابخانه‌ای انجام شده است. جامعه آماری تحقیق منابع موجود و نوع نمونه‌گیری هدفمند ساده است. ابزارهای تحقیق عبارتند از اسناد مرتبط با زن. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد زن در گفتمان اسلامی، هویتی انسانی مانند مرد داشته و از کرامت و حقوق گسترده‌ای برخوردار بوده و نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای در خانواده و جامعه ایفا می‌کند و در عین حالی که هنوز در رویکرد سنتی حاکم بر جوامع اسلامی از تبعیضات ناروای جنسیتی، حقوقی و عدالت در جامعه برخوردار است و در گفتمان مدرنیته، هویت زن به کالای جنسی تقلیل یافته و با چالش‌های: افزایش خشونت، تعدی و آزار جنسی، افزایش تجارت جهانی سکس، افزایش طلاق و فروپاشی نهاد خانواده، بحران هویتی و افزایش افسردگی و خودکشی، زوال مفاهیم مادری، همسری و نقش تربیتی زن و افزایش جرم و جنایت و بزهکاری، افزایش تبعیضات حقوقی و کاهش عدالت اقتصادی، مواجه است.

کلیدواژه‌ها: انقلاب اسلامی، زن، گفتمان، اسلام، مدرنیته، جهانی‌سازی، چالش‌ها.

Utorabi14@gmail.comr

۱. دانشیار علوم سیاسی، دانشگاه علوم انتظامی امین، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۸/۱۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۲۸

دوفصلنامه انقلاب پژوهی | سال دوم، شماره ۴ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳ | صفحات ۱۷۶-۱۴۵

<https://trs.ri-khomeini.ac.ir/>

انقلاب اسلامی زمینه‌ساز تحولات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی شایان توجهی در داخل ایران و زمینه‌ساز تحول سیاسی و فرهنگی در مناسبات منطقه‌ای و جهانی گردید، یکی از این تحولات مهم در بُعد فرهنگی، نوع نگاه به زن و خانواده در گفتمان توحیدی انقلاب اسلامی است که در تعارض معنادار با نگاه ابزاری و کالا محوری زن در جامعه‌شناسی مدرنیته است. زن به‌عنوان بخش مهمی از پیکره جامعه انسانی نقش‌های مهم و کلیدی را در خانواده و اجتماع عهده‌دار بوده و به‌عنوان مکمل مرد، عامل استمرار نسل و تکوین خانواده و جامعه، آرامش و آسایش همسر و فرزندان و مربی بزرگ جامعه است. سعادت و خوشبختی یک جامعه در گرو ایفای نقش و کارکردهای زنان و مادران است تا جایی که امام خمینی می‌گوید: «نقش زنان در عالم از ویژگی‌های خاصی برخوردار است. صلاح و فساد یک جامعه از صلاح و فساد زنان در آن جامعه سرچشمه می‌گیرد» (امام خمینی، ۱۳۸۹، ج ۶، ص. ۱۹۲).

مطالعه تاریخ تمدن‌های کهن و مخصوصاً تمدن غرب برآمده از مدرنیته حاکی از ظلم و ستم‌های فراوانی است که نسبت به زن شده است و به تعبیر مطهری زن تا اوایل قرن بیستم میلادی از ساده‌ترین و پیش‌پا افتاده‌ترین حقوق محروم بوده است (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۹، ص. ۲۹۰).

ویل دورانت در فصل نهم کتاب *لذات فلسفه* پس از نقل برخی نظریات تحقیرآمیز نسبت به زن از ارسطو، نیچه، شوپنهاور و برخی کتب مقدس یهود و اشاره به اینکه در انقلاب فرانسه با آنکه سخن از آزادی زن هم بود؛ اما عملاً هیچ تغییری رخ نداد، می‌گوید تا حدود سال ۱۹۰۰ میلادی زن به‌سختی دارای حقی بود که مرد ناگزیر باشد از روی قانون آن را محترم بدارد (دورانت، ۱۴۰۱، ص. ۱۵۹).

در مقابل چنین نگرش تحقیرآمیز نسبت به زن به‌عنوان یک انسان در اروپا، اسلام و آموزه‌های توحیدی قرآن و سیره پیامبر (ص) زن را همانند مرد به‌عنوان انسان تلقی کرده و بالاترین حقوق را برای وی قائل شده و استقلالی که زن در دارایی و اموال خود دارد و فقه شیعه از ابتدا آن را شناخته است در یونان، روم، ژرمن و تا چندی پیش هم در حقوق غالب کشورها وجود نداشته، یعنی مثل صغیر و مجنون و محجور از تصرف در اموال خود ممنوع بوده، در انگلستان که سابقاً شخصیت زن در شخصیت شوهر محور بود. دو قانون یکی در ۱۸۷۰ و دیگری در ۱۸۸۲ میلادی به اسم قانون مالکیت زن شوهردار، از زن رفع حجر نمود (شایگان، ۱۳۹۹، ص. ۳۶۶).

امروزه به‌رغم تحول در رویکردهای سنتی تبعیض‌آمیز نسبت به زنان در جامعه‌شناسی غرب؛ پس از انقلاب صنعتی و تلاش برای اعطای حق تساوی با مردان و آزادی به زنان، عمداً یا سهواً تساوی به‌جای تشابه به کار رفت و برابری با همانندی یکی شمرده شد، کیفیت تحت‌الشعاع کمیت قرار گرفت. انسان بودن زن موجب فراموشی زن بودن وی قرار گرفت. حقیقت این است که این بی‌توجهی را نمی‌توان تنها به‌حساب غفلت ناشی از شتاب‌زدگی گذاشت، عوامل دیگری نیز در کار بود که می‌خواست از عنوان آزادی و تساوی زن استفاده کند. یکی از این عوامل این بود که مطامع سرمایه‌داران در این جریان بی‌دخالت نبود. کارخانه‌داران برای اینکه زن را از خانه به کارخانه بکشند و از نیروی اقتصادی او بهره‌کشی کنند، حقوق زن، استقلال اقتصادی زن، آزادی زن، تساوی حقوق زن با مرد را عنوان کردند آن‌ها بودند که توانستند به این خواسته‌ها رسمیت قانونی دهند (مطهری، ۱۳۸۱، ج ۱۹، ص. ۳۰).

پیشینه تحقیق

پیرامون زن و نقش‌های وی تحقیقات و مقاله‌هایی تألیف شده است که در این مجال به برخی از آنها اشاره می‌شود: ۱. مقاله «بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت خانواده (مورد مطالعه: زنان متأهل شهرآبادان)» (۱۳۹۳)، به نقش مؤثر زنان متأهل در ساختار قدرت خانواده پرداخته و برای آنها نقش مکملی در کنار همسر و مردان قائل است. ۲. مقاله «نقش زن در ایجاد خانواده متعادل» (۱۳۹۳)، بوشی نو به الزامات تکوین خانواده متعادل در جامعه اسلامی پرداخته و نقش زن و کارکردهای وی را در این فرایند تأثیرگذار یافته است. ۳. مقاله «جهانی‌شدن فرهنگ و چالش‌های فراروی خانواده و زنان در ایران» (۱۳۹۵) با نگاهی نو به پدیده‌های جهانی‌شدن و تأثیر آن بر خانواده و زنان در جامعه ایرانی پرداخته و نتیجه این تحقیق حاکی از چهار تحول تهدیدی برای خانواده و زنان است: تزلزل خانواده و استحکام آن، تنزل جایگاه زنان در جامعه و خانواده، بی‌خویش شدن شادمانی خانواده و اختلال تفکر در میان مخاطبان ماهواره‌ای. ۴. راسل (۲۰۲۲) در تحقیقی با عنوان «زنان و کسب‌وکار» مشکل اساسی طرح‌های توانمندسازی زنان و نیاز به اصلاحات را طرح کرده و ابتکارات توانمندسازی زنان تحت رهبری شرکت‌ها، با فعال بودنشان، مربوط به طیفی از اقداماتی است که به نتایج نامطلوب حقوق بشر به‌وسیله نظام تجارت رسیدگی می‌کنند. این طرح‌ها برخلاف اینکه نقش شایان توجهی در ارتقای حقوق زن ایفا می‌کنند؛ اما می‌توان آنها را به‌عنوان تجلی آنچه کاترین روتبرگ «فمینیسم نئولیبرال» می‌نامد، ادراک نمود، زنانی که در معرض خطر تبدیل شدن به

«سرمایه جنسیتی» برای منافع اقتصادی و تجاری هستند، تلقی نمود. با توجه با پیشینه‌های مزبور، مزایا و نوآوری‌های تحقیق حاضر نسبت به آنها عبارت است از بررسی جایگاه معرفت‌شناختی زن در دو مکتب و گفتمان اسلام و مدرنیته و چالش‌های فراروی آنان در عصر جهانی شدن.

مبانی نظری

گفتمان

گفتمان مقوله‌ای زبان‌شناختی مبتنی بر گفتار و انتقال مفاهیمی است که حامل پیام و شکل‌دهنده به یک نظام معرفت‌شناختی و معنایی است که رابطه میان تعدادی مؤلفه را تبیین کرده به نحوی که هویت آنها در نتیجه عمل دستخوش تغییر و تحول می‌شود و از علوم تفسیری مانند هرمنوتیک، پدیدارشناسی، ساخت‌گرایی و شالوده‌شکنی الهام می‌گیرد. هویت بخشی و تمایز گرایی و غیریت سازی از خصوصیات گفتمان بوده و سلطه یابی یک گفتمان به دلیل قوت و توانایی اقناع‌سازی و انتقال و تثبیت مفاهیم موردنظر جامعه و مخاطبان است. کوهن گفتمان را علم هنجاری تلقی می‌کند که به صورت مستحکمی بر شالوده‌ای از یک یا چند دستاورد علمی بنا شده و جامعه علمی خاصی در مدت زمانی به آن دستاوردها معتقد و آن‌ها را مبنا و راهنمای عمل و رفتار خود قرار می‌دهند که از آن به عنوان الگوها یا نمونه‌ها (پارادیم) یاد کرده و آن را در ارتباط نزدیکی با علم هنجاری تلقی می‌کند (کوهن، ۱۳۶۹، ص. ۲۵).

مدرنیته

مدرنیته از مدرن به معنای نو و جدید اخذ شده «و در اصطلاح فلسفی و گفتمانی به معنای آگاهی سوژه فردی افراد از طبیعت و سرنوشت خود و قرار دادن این سوژه به منزله پایه و اساس تفکر و اندیشه است» (هودشتیان، ۱۳۸۱، ص. ۲۸). مهم‌ترین ارکان مدرنیته عبارتند از: اصالت عقل ابزاری، اصالت انسان و خودمختاری وی، فردگرایی، جدایی دین از دولت و سیاست، آزادی فردی و افسون زدایی از جهان (نفی تفسیر متافیزیکی و معنوی از هستی).

جهانی‌سازی

در سال ۱۹۶۱ در فرهنگ وبستر اصطلاح جهانی‌شدن به کار گرفته شد. دو دیدگاه در تعریف آن وجود دارد یکی روند طبیعی و غیرارادی و خودجوش و دومی به معنای یک پروژه که برنامه‌ای با قصد و اراده و آگاهی به وسیله شرکت‌های چندملیتی، دولت‌ها و نیروهای قدرتمند بین‌المللی برای یکدست و یکپارچه کردن دنیا در جهت منافع خود است و در نتیجه آن واژه

جهانی کردن یا جهانی سازی ترجمه و معنا پیدا می کند (موثقی، ۱۳۹۴، ص. ۴۱). رابرتسون و گیدنز تلاش دارند جهانی شدن را با مدرنیته و تجدد پیوند داده و تعریف آن را با فشرده گی جهانی شروع می کنند. رابرتسون با اشاره به تشدید روابط اجتماعی در مقیاس جهانی و تشدید آگاهی از دنیا به عنوان یک کل، وابستگی متقابل عینی و آگاهی از کل جهان، آن را تحت تأثیر نظریه مارشال مک لوهان درباره دهکده جهانی، رسانه محور می داند. انقلابی در آگاهی عمومی در دهه ۱۹۶۰ که از حیث شکل گیری احساس مشترک نسبت به درهم تنیدگی جهان در بسیاری از نقاط گیتی تأثیر مهمی داشته است (موثقی، ۱۳۹۴، ص. ۵۰).

جهانی شدن فرهنگ، انقلاب اطلاعات و ظهور جامعه شبکه ای

جهانی شدن فرهنگ هم از پدیده های نسبتاً نوین و از ابعاد مهم جهانی شدن و در واقع جهانی سازی محسوب می شود. تلاش برای ارائه یک الگو و مدل فرهنگ جهانی بریده از هنجارها و ارزش های معنوی، دینی و اخلاقی و نفی فرهنگ ها و سبک زندگی های بومی و محلی مبتنی بر ارزش های اخلاقی و جایگزین کردن سبک زندگی آمریکایی از نوع و مد لباس و پوشش و سبک آرایش موهای سر زنان و مردان، عریانی زنان و نمایش و قیحانه اندام زنان و دختران و به تصویر کشیدن علنی تماس جنسی در فیلم های سینمایی که نماد عینی آن هالیوود است، روابط جنسی لجام گسیخته، هم جنس گرایی و تصویب ازدواج هم جنس ها و قانونی شدن آن در اغلب کشورهای اروپایی و ایالات متحده امریکا و نوع غذاهای مصرفی و پدیده هایی مانند مک دونالدیسم و غذاهای زود آما (فست فود) از نمادهای عینی جهانی سازی فرهنگ تلقی می شود. به نظر لسللی اسکیر، فرهنگ همواره کارکردی ایدئولوژیک برای مصرف گرایی در نظام جهانی کاپیتالیستی داشته است؛ از این رو همه اقدامات فرا فرهنگی در این حوزه هم زمان اقدامات ایدئولوژیک و به این ترتیب فرهنگی - ایدئولوژیک هستند و نظام سرمایه داری در کنار جهانی سازی اقتصاد و ترویج مصرف گرایی مداوم به منظور انباشت روزافزون سرمایه برای سود بیشتر به طور لفظی ادعا می کند که معنای زندگی در اشیایی یافت می شود که ما در اختیار داریم؛ بنابراین مصرف کردن به طور کامل زنده بودن است و برای اینکه ما زنده بمانیم باید دائم مصرف کنیم (موثقی، ۱۳۹۴، ص. ۵۸).

انقلاب اطلاعات و ظهور اینترنت و جامعه شبکه ای دارای پیامدهای مثبت و منفی شایان توجهی در جوامع بشری بوده و زمینه های بروز و ظهور پدیده های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و هنجارها و ارزش ها و رفتاری نوینی را به وجود آورده است که در برخی موارد

بحران‌های بسیار پیچیده و غیر قابل انتظاری را در جوامع مختلف رقم زده است. در عصر جامعه شبکه‌ای مفاهیمی مانند حکمرانی ملی، فرهنگ‌های محلی و بومی، فرهنگ و سبک زندگی، هنجارها و ارزش‌های اخلاقی و بسیاری از مفاهیم دستخوش تحول شده و نظم حاکم بر نظام‌های سیاسی و دولت‌ها در داخل کشورها و نظم حاکم بر مناطق و محیط بین‌المللی در حال دگرگون شدن شتابان است و در همین رابطه جامعه شبکه‌ای با تبادل و انتقال سریع و لحظه‌ای داده‌ها و اطلاعات و خرده‌فرهنگ‌های جهانی شده بر باورها و اعتقادات افراد تأثیر گذاشته و هنجارها و ارزش‌های نوینی را جایگزین هنجارها و ارزش‌های سنتی می‌نماید، جهانی‌سازی فرهنگ و ارزش‌های غربی امروزه یکی از تهدیدهای بسیار خطرناک برای جامعه جهانی و زوال هنجارها و ارزش‌های معنوی و اخلاقی و انسانی است.

استگر معتقد است که چهار عنوان فرهنگی در عصر جهانی سازی فرهنگ عبارتند از: ۱. تنش و چالش میان یکی یا همسان بودن و تفاوت، در فرهنگ جهانی در حال ظهور؛ ۲. نقش اساسی و مهم کمپانی‌های رسانه‌ای فراملی در نشر فرهنگ مردمی؛ ۳. جهانی‌سازی زبان‌ها؛ ۴. تأثیر ارزش‌های ماتریالیستی و مصرف‌گرایانه در سیستم‌های شناختی زمین (موتقی، ۱۳۹۴، ص. ۵۷). با تکوین جهانی‌سازی اقتصاد و فرهنگ زنگ خطر بزرگی برای جوامع سنتی به صدا درآمده و هنجارها و ارزش‌های نوینی مبتنی بر لیبرال دموکراسی غربی شکل گرفته و با بهره‌برداری از قدرت نرم در حال نفوذ به جوامع سنتی و دینی و تغییر در هنجارها و ارزش‌های بومی و ملی آنهاست، بدون تردید وقوع انقلاب اسلامی ایران روند جهانی‌سازی لیبرال دموکراسی و فرهنگ شرک‌آلود سکولار بریده از مکتب وحی و معنویت را دستخوش چالش جدی نمود و مانع بزرگی در مسیر تحقق اهداف شیطانی سردمداران فرهنگ سکولار گردید (ترابی، ۱۳۹۲، ص. ۴۸).

۱۵۰

گیدنز در این رابطه می‌نویسد: در گذشته سه غول فکری جامعه‌شناسی یعنی مارکس، دورکیم و ماکس وبر، کم‌وبیش با اختلافی فرآیند عمومی جهان را به سمت سکولاریزه شدن و به حاشیه رفتن دین می‌دیدند؛ ولی از آغاز دهه هشتاد میلادی با وقوع انقلاب اسلامی شاهد تحقق عکس این قضیه هستیم یعنی فرآیند عمومی شدن جهان روند معکوسی را آغاز و به سمت دینی شدن پیش می‌رود (گیدنز، ۱۳۷۴، ص. ۷۵).

سبک زندگی اروپایی و آمریکایی با تبلیغ مصرف‌گرایی، لذت‌جویی، رفاه گسترده، تفریح و سرگرمی و بازی‌های مختلف ضد اخلاقی و ساخت فیلم‌های مروج هنجارها و ارزش‌های نوین در حال نفوذ به کشورهای دیگر است. پدیده‌ای که آیت‌الله خامنه‌ای در دهه هفتاد

به عنوان تهاجم فرهنگی و ناتوی فرهنگی یاد کرد. جهانی سازی فرهنگی به تعبیر ریوور نوعی بربریت و توحش در کنار سرمایه داری است. وی می نویسد: این نفوذ فرهنگی موجب توزیع جهانی یکسان ارزش های دموکراتیک و احترام به حقوق بشر به عنوان اصل و جوهر تمدن غربی نشده است. این فرهنگ ارضای آنی نیازهای مادی از روابط جنسی گرفته تا مد را تشویق و ترغیب می کند و به این سبب برای نسل جدید جذابیت دارد؛ ولی لزوماً در حال آفریدن نظام اخلاقی جدید جهانی نیست؛ زیرا نه از همبستگی انسانی و نه از الگوهای مصرف سازگار با محیط زیست حمایت می کند... سرمایه داری می تواند در کنار بربریت جریان داشته باشد (موثقی، ۱۳۹۴، ص. ۵۸).

از پدیده های مهم در عصر جهانی سازی اقتصاد و فرهنگ، وقوع یک انقلاب صنعتی نوین بر مبنای رایانه و ظهور اقتصاد اطلاعاتی یا اینترنتی مخصوصاً تغییر جهت کشورهای صنعتی از صنعت به خدمات (مالی، نرم افزار، خرده فروشی و...) معرف عصر جهانی شدن هستند. کاستلر که با کتاب معروف عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه ای در این زمینه صاحب نظر است. این انقلاب فناوری اطلاعات را دست کم به اندازه انقلاب صنعتی قرن هجدهم رویدادی تاریخی عمده ای می داند که یک الگوی گسستگی را در بنیان مادی اقتصاد، جامعه و فرهنگ القا می کند که هسته دگرگونی را در آن فناوری پردازش اطلاعات و ارتباطات هستند (کاستلر، ۱۳۸۵، ص. ۶۰).

رسانه و دنیای فراواقعیت

ژان بودریار اندیشمند پست مدرن فرانسوی، تأثیر رسانه های مدرن مانند تلویزیون، اینترنت و شبکه های اجتماعی را بسیار عمیق تر از سایر رسانه ها تلقی می نماید. او معتقد است رسانه ها با شیوه های خاص تنظیم و ارائه اخبار و اطلاعات و به تصور کشیدن تصاویر و صحنه های گزیده شده ای از واقعیات موجود در جامعه، واقعیت نوینی از واقعیات موجود خلق و می آفرینند که کاملاً با اجزای آن واقعیات متفاوت است، وی این خلق و آفرینش را فراواقعیت یا شبیه واره ها می نامد، تصاویری که معنای خود را از تصاویر دیگری اخذ می کنند و به همین دلیل پایه و اساسی ندارند؛ برای مثال تبلیغات معروفی که برای سیگارهای سیلک کات پخش می شد اصلاً هیچ اشاره ای به سیگار نمی کرد، بلکه فقط به تبلیغات پیش از خود اشاره می کرد که به صورت رشته طولانی و پرشماری از تبلیغات سریالی قبلاً پخش شده بود. هیچ رهبر سیاسی امروز نمی تواند برنده انتخابات شود مگر اینکه پیوسته روی صفحه تلویزیون ظاهر شود، شخصی که

اکثر بینندگان تلویزیون می‌شناسند، همین تصویر تلویزیونی است (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۹، ص. ۶۷۱).

امروزه اینترنت و فضای مجازی به تسخیر اذهان و افکار عمومی پرداخته و نقش بسیار مهمی در تحولات اجتماعی و ایجاد نظم نوین جهانی ایفا می‌نماید. فضای مجازی به معنای فضای تعاملی است که توسط شبکه‌های جهانی رایانه‌ای شکل می‌گیرد که اینترنت را تشکیل می‌دهند. در فضای مجازی همان‌طور که بودیار ممکن بود بگوید، ما دیگر آدمیان نیستیم بلکه پیام‌هایی روی صفحه رایانه‌های یکدیگریم. سوی پست الکترونیکی که کاربران خود را معرفی می‌کنند، در اینترنت هیچ کس نمی‌تواند مطمئن باشد که دیگران واقعاً کیستند، زن هستند یا مرد، کجای این جهان هستند. دربارهٔ اینترنت کاریکاتور مشهوری هست که سگی را نشان می‌دهد که جلوی رایانه نشسته است در شرح کاریکاتور می‌خوانیم: خوبی اینترنت این است که هیچ کس نمی‌داند تو سگی (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۹، ص. ۶۸۲).

زن در گفتمان اسلامی و گفتمان مدرنیته غربی

گفتمان‌ها، مکاتب و جهان‌بینی‌ها نقش مهمی از نوع تلقی‌های معرفت‌شناختی و همچنین نوع کنش‌ها، واکنش‌ها و رفتارهای انسان ایفا می‌نماید. نوع نگاه به زن، هویت و شخصیت وی نیز از این قاعده مستثنا به نظر نمی‌رسد آنچه به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی و تاریخی مشهود است، افراط و تفریط‌ها نظری و عملی در نگاه به زن و نقش‌های وی بوده و متعاقب آن زن در طول تاریخ با ظلم و ستم‌ها و تبعیضات ناروا مواجه بوده و در برخی از ادوار از ابتدایی‌ترین حقوق نیز محروم بوده است؛ برای مثال نگاه آرتور شوپنهاور نسبت به زنان که آنان را تحقیر و مورد ملامت‌های متعدد قرار داده شایان توجه است. کتاب هنر رفتار با زنان یکی از عناوین هشت‌گانه مجموعه «هنر...» از این فیلسوف است که فرانکو وولپی استاد فلسفه و پژوهشگر ایتالیایی آن را گردآوری و تدوین کرده است. البته خلاف عنوان هنر رفتار با زنان این کتاب دربرگیرنده توصیه‌های شوپنهاور برای رفتار و چگونگی روبه‌رو شدن با زنان نیست، بلکه رساله‌ای در معرفی و تشریح شخصیت زنان و بیان کم‌وکاستی‌های وجودشان از دید یک فیلسوف بدبین و شکاک است.

در این کتاب با نویسنده‌ای مواجهیم که معتقد است باید دارایی در دسترس زن‌ها را از گزند دیوانگی‌هایشان در امان نگه داشت چون میل به اسراف و ولخرجی دارند. یا در دفترچه یادداشتش نوشته است: مردان نیمی از زندگی‌شان را هر جایی‌اند و نیمی دیگر خروس؛ برای

همین است که زنان بدل به موجوداتی اغفال شده و اغفالگر می‌شوند. مخاطبی که کتاب موردنظر را به دست گرفته و قصد آغاز مطالعه آن را دارد باید بداند که قرار است نظریات فردی را بخواند که وجود نبوغ را در زنان مردود دانسته و آن را محال می‌داند. او در بهترین حالت ممکن، بر این باور است که ممکن است زنان استعداد داشته باشند. شوپنهاور بی‌عدالتی و تقلب را رایج‌ترین خطای زنان و دروغ‌گویی را عنصر اساسی ضمیرشان می‌داند و می‌گوید تصور اینکه زنان را در منصب قاضی دادگاه ببیند، باعث خنده آدم می‌شود. درست است که بین زنان، افراد ناعادل و متقلب وجود دارد؛ اما بین مردان نیز چنین افرادی کم نیستند و نمی‌توان صرف زن بودن را دلیلی برای متقلب بودن یک انسان دانست. این اولین اشتباهی است که می‌توان به نوشته‌های شوپنهاور در کتاب هنر رفتار با زنان گرفت (حداد عادل، ۱۳۶۸، ص. ۸).

زن در گفتمان و مکتب اسلام

در عصر جاهلیت و قبل از بعثت حضرت محمد (ص) به مقام نبوت، زن از جایگاه پست و نازلی در جامعه برخوردار بوده تا جایی که تولد فرزند دختر مایه ننگ و عار خانواده محسوب شده و خرده فرهنگ جاهلی زنده به گور کردن نوزادان دختر در منطقه حجاز رایج بوده و در قرآن آمده است که چون یکی از اینان (مردها) را به دختر بودن نوزاد بشارت می‌دادند درحالی که خشمش را فرو می‌برد چهره‌اش سیاه می‌گشت و از قوم خود به علت خبر سوء (دختردار شدن) به آن مژده داده شد بود، متواری می‌شد (نحل ۵۸ و ۵۹) و در سوره مبارکه تکویر آمده است: «وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُئِلَتْ بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ» (۸ و ۹) و زمانی را یاد آر که از دختران زنده به گور شده سؤال خواهد شد که به چه گناهی کشته شده‌اند؟ اما با بعثت پیامبر (ص) به نبوت و تولد جهان‌بینی توحیدی، انقلاب فکری عظیم و ژرفی در نوع نگاه به خانواده و زن و دختر پدید آمد. در این جهان‌بینی توحیدی، زن همانند مرد یک انسان و مکمل وی در حیات اجتماعی است و هویت جنسی وی به مثابه زن بودن هرگز از جایگاه و منزلت و شخصیت انسانی وی نمی‌کاهد و او همانند مرد برخوردار از تمامی حقوق و آزادی‌های مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های اسلامی و احکام شریعت مانند آزادی، حق مالکیت، حق اندیشه و تفکر و تحصیلات و حقوق اجتماعی و سیاسی، مدیریتی و فعالیت در بخش مختلف جامعه با رعایت کرامت انسانی و الهی می‌باشد. در ادبیات و آموزه‌های توحیدی قرآن، به‌رغم تفاوت در خلقت و فیزیک زنان مردان، آن‌ها در انسانیت مشترک بوده و مکمل همدیگر و مایه آرامش، مودت و رحمت برای همدیگر هستند

این مقوله از آیات عظیم الهی تلقی شده است. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً» (روم: ۲۱) آنچه در این آیه برجسته و ممتاز تلقی می‌شود این است که زن مایه سکینه و آرامش مرد در زندگی اجتماعی است. «لتسكنوا اليها» به معنای این است که مردان برای رسیدن به آرامش نیازمند زن هستند و سپس اشاره به مودت و مهربان و عشق و علاقه و رحمت میان آن دو اشاره شده است. در قرآن کریم پیرامون کارکرد زنان آمده است: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ» (بقره: ۱۸۷): «زنانتان لباس شمایند و شما لباس زنانتان هستید». زن لباس شوهر و شوهر لباس زن بودن تشبیهی فوق‌العاده زیبا و پرمعنی است. لباس از هر چیزی به تن انسان نزدیک‌تر است و محرم‌تر و آنگاه همین لباس در عین نزدیکی به تن، تن را از دیگران می‌پوشاند و دور می‌سازد. زن و شوهر نیز نسبت به هم چنین‌اند، به یکدیگر نزدیک و در عین حال هر یک موجب حفظ عفت دیگری است، همان‌طور که لباس انسان را از برهنگی می‌پوشاند و از بی‌عفتی حفظ می‌کند (طباطبایی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۱۸۷). با عنایت به این نوع نگرش الهی و انسانی به هویت و شخصیت ارزشمند زن در جهان‌بینی اسلامی، زمینه‌ها و امکانات لازم برای شکوفایی استعدادهای زنان در ابعاد گوناگون فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تربیتی فراهم بوده و بنابراین هیچ‌گونه مانعی برای کارکردها و نقش‌های او متصور نیست. البته زنان نیز تحت اغلب حکومت‌های حاکم بر جوامع اسلامی در مقام عمل جنس ضعیف و تحت سلطه مرد محسوب شده و در ابعاد حقوقی و عدالت مورد تبعیض و ظلم و ستم در ابعاد مختلف قرار داشته و دارند.

زن در گفتمان مدرنیته غربی

گفتمان مدرنیته به‌رغم اینکه زمینه‌ساز تحولات علمی و پیشرفت‌های صنعتی در اروپا و مغرب زمین شد؛ اما با غفلت از معنویت و آموزه‌های دینی و اخلاقی زمینه‌ساز پیامدهای منفی برای جوامع غربی گردید و علاوه بر اینکه نگاهی مبتنی بر افراط و تفریط نسبت به انسان و هویت وی داشته است و با ارائه نظریه اصالت فرد و فردگرایی و اومانیزم و نظریه لیبرالیسم، به معرفی انسانی مادی و محصور به فیزیک، خودمختار و دارای اراده و آزادی فردی بی‌حد و حصر پرداخته و با غفلت و فراموشی از ابعاد روحی-روانی و معنوی و اخلاقی، وی انسانی بریده از دین، معنویت و اخلاق ارائه کرده‌اند و اگر در برخی از رویکردها توجهی هم به معنویت و اخلاق داشته‌اند، آن‌ها را مقولاتی فردی و شخصی که فاقد کارکردهای اجتماعی و سیاسی است تلقی کرده‌اند. عنصر اصلی مدرنیته فردگرایی است.

در اندیویدوالیسم، فرد همه یعنی تنها چیز اصیل، تنها چیز معتبر و تنها چیزی که معیار است. همه چیز غیر از فرد اعتباری هستند، جامعه، خانواده، همسر، دولت، پدر اعتباری هستند. در جهان مدرن به دلیل اینکه فرد اصیل است، خانواده موضوعیت ندارد. اگر با همسر خود مشکل دارم نباید کوتاه بیایم من نمی توانم کوتاه بیایم که زندگی ادامه پیدا کند؛ چون اصل من و مبنا من هستم؛ لذا باید این زندگی را ترک کنم (امینی، ۱۴۰۲، ص. ۲۹).

مطهری به نقل از ویل دورانت در کتاب لذات فلسفه که رویکردی نسبتاً منطقی نسبت به انسان، شخصیت و هویت زن و شخصیت و هویت مرد در بستر تحولات تاریخی دارد، آورده است: کار خاص زن خدمت به بقای نوع است و کار خاص مرد خدمت به زن و کودک. ممکن است کارهای دیگری هم داشته باشند؛ ولی همه روی حکمت و تدبیر تابع این دو کار اساسی است. این مقاصد اساسی است؛ اما نیمه آگاه است و طبیعت معنی انسان و سعادت را در آن نهادهاست نه جنگجویی. به نظر می رسد که در بعضی از انواع ماده اصلاً غریزه جنگی وجود ندارد. اگر ماده (مؤنث) خود به جنگ آید برای کودکان خویش است. زن از مرد شکیباتر است، گرچه شجاعت مرد در کارهای خطر و بحرانی زندگی بیشتر است؛ اما تحمل دائمی و روزانه زن در مقابل ناراحتی های جزئی بیشمار بیشتر است... جنگجویی زن در وجود دیگری است زن سربازان را دوست دارد و از مرد توانا خوشش می آید، در مشاهده قدرت، نوعی عامل عجیب خوشی فرودستانه (مازوشیستیک) او را تحریک می کند، اگرچه خودش قربانی این قدرت باشد (مطهری، ۱۳۸۱، ص. ۱۸۹).

رویکرد فمینیسم

۱۵۵ فمینیسم در اصطلاح رویکردی است که در اعتراض به پایمال شدن حقوق زنان در ایالات متحده آمریکا و اروپا در تقابل با نظام و سیستم مردسالاری حاکم بر فرهنگ جوامع تکوین پیدا کرد. در نظر بسیاری از مردم، خانواده منبع حیاتی آرامش و آسایش، عشق و صمیمیت است؛ اما خانواده می تواند محلی برای بهره کشی، تنهایی و نابرابری عمیق هم باشد. فمینیسم با به چالش کشیدن تصویر خانواده به منزله قلمرویی هماهنگ و برابر، تأثیر بزرگی بر جامعه شناسی گذاشته است. در سال ۱۹۶۵ یکی از اولین صدهای مخالف از ناحیه فمینیسم آمریکایی بتی فریدن برخاست که درباره مسئله ای که نام ندارد، نوشت کلافگی و انزوایی که بسیاری از زنان خانه دار در حومه شهری آمریکایی دچار آن بودند و احساس می کردند اسیر دور باطل و بی پایان بچه داری و خانه داری شده اند دیگران دنبال این بحث را گرفته و در پی

کشف و شناخت پدیده زن در بند و آثار و عواقب زیانبار محیط‌های خانوادگی خفقان‌آور بر روابط بین اشخاص برآمدند (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۹، ص. ۲۵۴).

سه مضمون اصلی مورد تأکید فمینیسم در خصوص زن و خانواده عبارتند از: تقسیم کارخانگی، یعنی روش اختصاص دادن کارها و وظایف به اعضای خانوار. در میان فمینیست‌ها عقاید متفاوتی درباره پیدایش تاریخی این تقسیم کار دارند، برخی آن را محصول سرمایه‌داری صنعتی می‌دانند. برخی پدرسالاری رایج قبل از انقلاب صنعتی و صنعتی شدن را عامل آن تلقی می‌کنند؛ اما واضح است که تولید سرمایه‌داری موجب تمایز قطعی‌تری بین حوزه‌های خانه و کار شده است. این فرایند به متبلور شدن حوزه‌های مذکر و حوزه‌های مؤنث و روابط قدرت انجامیده است که تا به امروز هنوز احساس می‌شود؛ و الان نیز مدل مبتنی بر مرد نان آور در اکثر جوامع صنعتی رواج دارد (گیدنز و بردسال، ۱۳۹۹، ص. ۲۵۸).

جنسیت و کالا انگاری زن در غرب

یکی از رویکردهای غالب فرهنگی که در روابط اجتماعی و نظام‌های سیاسی حاکم بر جوامع توسعه یافته غربی مشهود است، پدیده شیء انگاری یا کالای جنسی تلقی کردن زنان است که منشأ بسیاری از ستم‌های تحقیرآمیز نسبت به زن بوده که همچنان گفتمان غالب اجتماعی در غرب است. لیکن نگاه عمومی به زن که در فرهنگ غربی نهادینه شده، نگاه غلطی است؛ نگاه ابزاری است، نگاه اهانت‌آمیز است (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۷/۲۸).

برهنگی زنان و مبارزه با پوشش و حجاب

از شاخص‌های عینی تنزل هویت انسانی و شخصیت والای زن پدیده کالا انگاری زن در تمدن نوین غربی، عریان کردن زنان در اشکال گوناگون آن و مبارزه سازمان یافته با پوشش و حجاب زنان و در نهایت عفت و پاکدامنی وی و پدیده قاچاق زنان و دختران است که هویت و شخصیت انسانی و الهی زنان را در حد یک حیوان جنسی و بدتر از آن کالای جنسی، تنزل داده است. پدیده برهنگی زن و مبارزه با پوشش و حجاب در کنار قاچاق گسترده و سازمان یافته زنان و دختران از بزرگ‌ترین آسیب‌های اخلاقی، بیمارها و کجروی‌های اجتماعی عصر مدرنیته و پسامدرن محسوب می‌شود. مطهری با هوشمندی و تشخیص پروژه خطرناک نظام سرمایه‌داری غرب به رهبری ایالات متحده آمریکا و شرکت‌ها و مؤسسات بزرگ تجاری صهیونیستی و همچنین تجارت پرسود سکس و بردگان جنسی عصر جدید می‌نویسد:

بدون شک پدیده برهنگی بیماری عصرماست. دیر یا زود این پدیده به عنوان بیماری شناخته خواهد شد. فرضاً ما کورکورانه از غرب تقلید کنیم خود پیشتازان غربی ماهیت این پدیده را اعلام خواهند کرد... این قسمت از نامه یکی از هنرپیشگان معروف جهان (چارلی چاپلین) را به دخترش که به قول خودش چهل سال مردم روی زمین را خندانده است بخوانید. این نامه مثل معروف عامیانه خودمان را به یاد می آورد: عزا چه عزایی است که مرده شوی هم گریه می کند... (برهنگی بیماری عصرماست. من پیرمردم و شاید حرف های خند آور بزنم؛ اما به گمان من تن عریان تو باید از آن کسی باشد که روح عریانش را دوست می داری. بد نیست اگر اندیشه تو در این باره مال ده سال پیش باشد، مال دوران پوشیدگی، نترس این ده سال تو را پیر نخواهد کرد. به هر حال امیدوارم تو آخرین کسی باشی که تبعه جزیره لختی ها بشوی و...) (مطهری، ۱۳۸۱، ص. ۳۷۹).

حداد عادل در این رابطه می نویسد:

در جامعه ای که زن را نه با معیارهای انسانی، بلکه با معیارهای زنانگی می سنجند، زن در حکم یک کالا است و با او مانند یک کالا رفتار می شود... این نمونه واقعی یک آگهی تجاری و تبلیغاتی است که من از کتابی به نام خود پیدا، نگرش هایی درباره لباس نقل می کنم، این کتاب که تألیف دومولف آمریکایی است مسئله لباس را مورد بحث قرار داده، از جمله بحثی دارد در اینکه در هر ملتی مردها نسبت به یکی از اعضای بدن زن حساسیت دارند و من از همه خواهرانی که این نوشته را می خوانند پوزش می طلبم که ناچار شدم برای بیان عفونت تمدن غربی و بیان تنزل مقام زن در این تمدن، عباراتی را ترجمه کنم که از ادب اسلامی دور است. آنگاه در تأیید بحث خود آگهی متعلق به یک شرکت صنعتی به نام برلینگتون را که سازنده مدولباس و انواع و اقسام جوراب های زنانه است، عیناً گردآوری کرده است، قسمت اعظم این آگهی از سه تصویر جدا (که ما از آوردنش معذوریم) تشکیل می شود که یکی گردن برهنه یک زن را نشان می دهد وزیر آن نوشته شده: ژاپنی ها، دیگری سینه برجسته زنی است در یک بلوز و زیر آن نوشته: فرانسوی ها و عکس سوم که به تنهایی برابر مجموع دو عکس فوق است، تمامی پاهای برهنه یک زن را نشان می دهد که زیر آن نوشته: آمریکایی ها، آنگاه این عبارت با حروف ریز و درشت و با استادی تمام در زیر آن عکس آمده است: آنچه ما می خواهیم به زنان درباره مردان بگوییم این است: مرد های جاهای مختلف دنیا با هم فرق دارند. چیزی که در مرد آمریکایی اثر

می‌کند پاهاست و فقط «برلینگتون» است که «پا» را می‌شناسد. چون ماییم که سکسی‌ترین جوراب‌شلواری جهان را تولید می‌کنیم، حرف‌های ما را ده هفته تمام در جاهای مهمی خواهید شنید. بهار امسال ما در ردیوک و در ژورنال مد ضمیمه نیویورک‌تایمز و در شبکه‌های سراسری و محلی تلویزیون هستیم. پس فرصت را غنیمت شمارید و برای خرید جوراب شلواری‌های ما پس‌انداز کنید و بالاخره آنکه بیش از هر زن آمریکایی به این جوراب‌شلواری‌ها احتیاج دارید شما هستید (حداد عادل، ۱۳۶۹، ص. ۶۱).

نقش‌های محوری و اساسی زن در خانواده

زن به‌عنوان همسر مرد از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده خانواده تلقی می‌شود که دارای نقش‌های مهم و کلیدی تأثیرگذاری است که قطعاً بدون وی امکان ایفای چنین نقش‌هایی وجود ندارد. برخی از مهم‌ترین نقش‌های زن در نهاد خانواده عبارت است از: تولیدمثل، پرورش و تربیت فرزند در ابعاد روحی و روانی و جسمی و فیزیکی، پرستاری، همسری در کنار مرد و آرامش بخشی به مرد و آرامش یابی در کنار مرد (آرامش متقابل)، انتقال فرهنگ، جامعه پذیر کردن فرزندان، کمک به اقتصاد خانواده و ایجاد فضایی آکنده از عشق، محبت، مهربانی و عاطفه و صبوری برای تبدیل فضای خانواده به فضایی پرشور و نشاط و آرامش، به‌طور طبیعی در چنین فضایی امکان تربیت صحیح برای فرزندان و رشد فکری و عاطفی آنان فراهم خواهد بود. با عنایت به موارد مزبور هنر کم‌نظیر زن در قالب مدیریت عاطفی در کانون خانواده بروز و ظهور یافته و در نتیجه هنجارگرایی و جامعه‌پذیری در خانواده شکل می‌گیرد و تکوین چنین خانواده‌هایی که هسته‌های اصلی جامعه را تشکیل می‌دهند زمینه‌ساز شکل‌گیری جامعه و اجتماعی پویا و با نشاط و مبتنی بر جامعه‌پذیری و قانون‌گرایی و رعایت حقوق متقابل دیگران است.

۱۵۸

نقش زن در اجتماع

زنان نقش‌های اجتماعی مهم و تأثیرگذاری در جامعه ایفای نمایند. نقش‌های کلیدی اجتماعی زن را می‌توان از عملکردها و فعالیت‌های نهادینه او به دست آورد؛ از این رو وقتی کارکردهای مهمی همچون حفظ نسل انسان را با تمام اهمیتش به نظر آوریم یا حفظ جان و سلامت و روح فرزندان کوچک را که احتمالاً بدون نظارت مادر، خطرهای بیشتری زندگی آنان را تهدید خواهد کرد، یا کارکردهای معنوی اجتماعی آنان مانند انتقال فرهنگ و زبان به کودک، یا

ایجاد و حفظ سکون و آرامش در خانواده و در اجتماع و یا... به حساب بیاوریم، نقش جامع زن در جامعه بسیار فراتر از محاسبات عادی به دست می‌آید. شاید یکی از دلایل احترام و اهمیت زن در اسلام و مسئولیت مرد در نگهداری و خوشرفتاری با وی همین نقش حساس و مهم اجتماعی زن بوده است. البته مهم‌ترین عامل حرمت زن، انسان بودن اوست که در این جهت کاملاً با مرد، مساوی است. درجایی که زن، نقش‌های طبیعی و اجتماعی مذکور را ایفا کند، مرد، دارای نقش دوم و در حکم دستیار و مددکار زن محسوب می‌شود. همان‌گونه که زن نیز موظف است در حدود توانایی خود درجایی که مردان، نقش اول را دارند، یعنی در کارکردهای اختصاصی مرد، دستیار وی باشد و به وی کمک کند. از نظر فلسفی و در حکمت عملی، «تدبیر منزل» را می‌توان کارکرد و نقش اختصاصی زن دانست اگرچه مرد نیز دارای نقش درجه دوم است؛ ولی در «سیاست‌مدن»، وضعیت برعکس است و زن با وجودی که حق دخالت دارد؛ اما می‌تواند سطوحی از آن را ترک کند و راحت باشد (خامنه‌ای، ۱۳۷۹).

کارکردهای خانواده و نقش زن در آن

مطالعات و بررسی‌های تاریخی حاکی از نقش‌های تعیین‌کننده و اساسی خانواده در جوامع بشری و همچنین نقش‌ها و کارکردهای مهم و کلیدی زنان در آن است که به برخی از مهم‌ترین آنها اشاره می‌شود:

نقش مادری و حفظ و استمرار نوع انسان و نسل

در زبان عربی، مادر به معنای «ام» است که مفهوم آن عبارت است از ریشه هر چیزی، الام اصل کلی شئ؛ بنابراین مادر انسان ریشه و اصل وی است. مادر رکن اصلی خانواده بوده و یکی از کارکردهای بسیار مهم و طبیعی خانواده، تولید نسل از طریق ازدواج و تولد فرزندان و نگهداری و تربیت و پرورش آنهاست. خانواده، کانون اصلی شکل‌گیری روابط اجتماعی سالم و مرکز تکوین عشق و محبت و آرامش زن و مرد و فرزندان و استمرار و بقای نسل است و سایر اشکال استمرار نسل هیچ‌کدام مانند استمرار نسل از طریق ازدواج و تشکیل خانواده پایدار منطقی نبوده و مایه آرامش و اطمینان اعضای خانواده نیست. زن به‌عنوان مادر دارای چنین فضیلتی است که پیامبر^(ص) فرمودند: «الجنة تحت اقدام الامهات» (مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص. ۱۸۰): «بهشت زیر پای مادران است». فضیلت مقام مادری و فرزندآوری وی و فضیلت بارداری و اجر وضع حمل و دوران نفاس که نشانه اعتلای شئون ویژه زنان است، گرچه ممکن است برای ناباوران به امور معنوی چندان جلوه نکند. بر پایه تعالیم دینی گرامی

داشت مقام مادران مایه ورود بهشت است، چنانکه خط‌مشی و کیفیت رفتار مادر در تربیت فرزند وارسته اهل بهشت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۴).

نقش مادری نیز در چهار دهه اخیر جدی به‌عنوان نقش انحصاری زنانه از سوی فمینیست‌ها مورد چالش قرار گرفته و از کلیشه‌های جنسیتی قلمداد شده که نظام مردسالار برای خانه‌نشین کردن زنان آن را نقشی مقدس وانمود می‌کند؛ بنابراین دیدگاه تقسیم علی‌السویه مسئولیت مادری میان زن و مرد ضرورت می‌یابد.

اگر زنان ما از لحاظ رتبه معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقا دهند... مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند. همه تحت تأثیر مادران هستند. آنکه بهشتی می‌شود، پایه بهشتی شدنش از مادر است (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۴/۵/۵).

آیت‌الله خامنه‌ای تعبیر شایان توجهی نسبت نقش حیاتی زن در خانواده دارد و می‌گوید:

با توجه به مجموعه معارفی که در آیات و روایات و مانند اینها هست در ذهن خودم این جور تصویر می‌کنم که زن، هوایی است که فضای خانواده را انباشته؛ یعنی همچنان که شما در فضا تنفس می‌کنید، اگر هوا نباشد، تنفس ممکن نیست، زن این جوری است؛ زن خانواده به منزله تنفس در این فضا است... این جور نیست که شما خیال کنید حالا زن گرفتید، کارها را بریزید سر زن؛ نخیر. خودش داوطلبانه یک کاری را می‌خواهد انجام بدهد، [عیب ندارد] خانه خودش است، دلش می‌خواهد یک کاری را انجام بدهد، انجام داده؛ اگر نه هیچ کس حق ندارد - مرد یا غیر مرد - او را وادار کند، اجبار کند به اینکه این کار را باید انجام بدهد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۴۰۱/۱۰/۱۶).

تربیت و پرورش و جامعه‌پذیری

یکی از مهم‌ترین کارکردهای خانواده با محوریت زن و مادر، تربیت و پرورش فرزندان و فراهم کردن زمینه‌های تکوین هنجارگرایی و جامعه‌پذیر کردن فرزندان و نسل‌های آینده است. تحقیقات حاکی از نقش مهم خانواده در جامعه‌پذیر کردن فرزندان و افراد در جامعه و کنشگری مبتنی بر قانون است (Davies, 1965). خانواده اولین نهاد و ساخت اجتماعی است که امکان شکل‌گیری تربیت و هنجارگرایی، رعایت ارزش‌ها، جامعه‌پذیری و قانون‌گرایی در آن وجود دارد. مادر می‌تواند فرزندان را به بهترین وجهی تربیت کند. تربیت فرزند به‌وسیله مادر، مثل تربیت در کلاس درس نیست؛ با رفتار است، با گفتار است، با عاطفه است، با نوازش

است، با لالایی خواندن است؛ با زندگی کردن است. مادران با زندگی کردن، فرزند تربیت می‌کنند. هرچه زن صالح‌تر، عاقل‌تر و هوشمندتر باشد، این تربیت بهتر خواهد شد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۲/۱۱).

مادرها مایه انتقال عناصر هویت ملی‌اند: زن به‌عنوان مادر نقش بسزایی در شکل‌دهی و انتقال هویت ملی ایفا می‌نماید و این برای زن یک نقطه امتیاز است، یک نقطه افتخار است. این افتخاری نیست برای زن که او را از محیط زنانه، از خصوصیات زنانه، از اخلاق زنانه دور کنیم. خانه‌داری را، فرزند داری را، شوهرداری را ننگ او به حساب بیاوریم. فرهنگ غربی خانواده را متلاشی کرد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۴/۲۱).

تولید آرامش و آسایش روحی روانی پایدار: یکی از کارکردهای مهم خانواده وزن و همسر که محور خانواده تلقی می‌شود، فراهم کردن روابط سالم، آرامش‌بخش و اطمینان‌آور است که فقط در چهارچوب یک خانواده سالم و شاداب امکان‌پذیر است و زن و مرد در کنار همدیگر و بر اساس کشش و گرایش‌های طبیعی و محبت و عشق و علاقه‌ای که میان آن‌ها وجود دارد، می‌توانند به آرامش و آسایش دست پیدا کنند.

مدیریت خردمندانه غرایز جنسی: نیازهای جنسی انسان اعم از مرد و زن یکی از نیازهای طبیعی و اولیه است که بایستی از طریق روش‌های سالم و خردمندانه تکوین پیدا کند. عمق و گستردگی نیازهای جنسی و زیاده‌طلبی‌های مرتبط با آن زمینه‌ساز پیدایش اختلال و کجروی رفتاری در میان مردان و زنان می‌شود و تجارب موجود جوامع بشری حاکی از کارآمدی خانواده و تأمین نیازهای جنسی مردان و زنان از طریق ازدواج و تشکیل خانواده است.

فراهم کردن زمینه‌های انتقال فرهنگ، زبان و هویت ملی و تجارب: از کارکردهای مهم خانواده و زن و مادر، فراهم کردن زمینه برای انتقال تجارب عملی زندگی اجتماعی است که توسط والدین صورت می‌گیرد. خانواده، به‌طور طبیعی عهده‌دار آموزش زبان مادری و ملی به فرزندان و آشناسازی آنان با فرهنگ ملی، بومی و دادن شعور اجتماعی برای هماهنگی در بینش و جهان‌بینی با افراد جامعه خود است.

فراهم کردن زمینه‌های نظم و امنیت در جامعه: خانواده توانمند با کارکردهای خود در ابعاد جامعه‌پذیر کردن فرزندان و تکوین قانون‌گرایی در رفتارهای آن‌ها، به شکل‌گیری نظم اجتماعی در محیط اجتماعی مساعدت می‌کنند. امروزه بسیاری از ناهنجارهای رفتاری افراد در جامعه ریشه در کژکارکردی خانواده دارد. آموزش‌های بنیادین هنجارگرایی و احترام به ارزش‌ها و قواعد اخلاقی در گام اول در خانواده شکی می‌گیرد؛ بنابراین خانواده نقش بسیار

مهم و زیر بنایی در فراهم شدن زمینه‌های پیشگیری بدوی از کجروی اجتماعی و پیدایش نظم و امنیت در روابط اجتماعی دارد. جرم‌شناسان معتقدند بسیاری از تبهکاران و مجرمان در خانواده‌های گسسته و ناهنجار تربیت یافته‌اند.

تربیت انسان و نخبگان و فراهم کردن زمینه‌های رشد و توسعه علمی: کانون خانواده و صمیمیت میان اعضای آن، فرصتی برای شکل‌گیری تفکر و اندیشه و فراهم شدن امکان تحصیلات در مراحل مختلف سنی و تربیت انسان‌های شایسته و نخبگان فکری برای جامعه است. فرزندان در کانون خانواده و احساس امنیت خاطر و آرامش فرصت و امکان بیشتری برای مطالعه اثربخش، تحصیل و رشد علمی در ابعاد مختلف آن دارند. بسیاری از متفکران و اندیشمندان و نخبگان علمی و فکری جوامع عمدتاً در خانواده‌های قوی و توانمند که کانون محبت و صمیمیت بوده رشد و تربیت یافته‌اند و در این زمینه، زن به‌عنوان مادر و نقش مادری بیشترین نقش را ایفا می‌نماید. به تعبیر حکیمانه پروین اعتصامی:

گر فلاطن و سقراط بوده‌اند بزرگ بزرگ بوده پرستار خردی ایشان
چه زن، چه مرد، کسی شد بزرگ و کامروا که داشت میوه‌ای از باغ علم در دامن
(اعتصامی، ۱۳۸۳)

تکوین جامعه سالم و توانمند: جامعه‌شناسان در رابطه با خانواده صرفاً به چند کارکرد خانواده بسنده می‌کنند در حالی که وظایف و کارکردهای خانواده منحصر به همان چند کارکرد اولی مانند تولید نسل، تربیت و نگهداری فرزند نیست، بلکه چون خانواده هسته اولیه اجتماع تلقی می‌شود، نقش کلیدی در ساختن جامعه مختلف جامعه و تکوین یک جامعه سالم و شاداب و توانا را دارد. در اسلام همه اعضای خانواده و جامعه مسئول می‌باشند (کُلکم راع و کُلکم مسئول عن رعیت). زن و خانواده علاوه بر کارکردهای مذکور کارکردهای مهم دیگری دارد.

ازجمله کارکردهای دیگر مهم زنان می‌توان به کارکرد مهم اقتصادی آن اشاره کرد، در بسیاری جوامع زنان در مزرعه یا کارگاه‌های خانوادگی یا در خانه، کار یا تولید می‌کنند و در تقویت اقتصاد خرد و کلان و درآمد سرانه خانواده و درآمد ملی نقش ایفا می‌نمایند. فرهنگ مصرف خردمندانه و جلوگیری از اسراف و تبذیر و پیشگیری از اتلاف ثروت‌های ملی و ایجاد نوعی تعادل اقتصادی به‌وسیله «قناعت» و «صرفه‌جویی» از کارکردهای بسیار مهم و کمتر قدر شناخته‌شده خانواده در جامعه است.

از دیگر کارکردهای مهم و مکتوم خانواده که کمتر مورد مذاقه جامعه‌شناسان قرار گرفته است کارکردهای سیاسی خانواده است. حضور تأثیرگذار در عرصه سیاست و فعالیت‌های

سیاسی مانند مشارکت سیاسی، عضویت در احزاب و سازمان‌های سیاسی، خانواده‌ها نقش زیربنایی و مهمی ایفا می‌کنند. این پدیده در پیروزی انقلاب اسلامی و پس از آن کاملاً ملموس و مشهود بوده و بسیاری از خانواده‌ها با محوریت زنان و مادران نقش بسزایی در انقلاب اسلامی، دوران دفاع مقدس و عرصه‌های فرهنگی، علمی، تربیتی، اجتماعی و سیاسی ایفا کرده و می‌نمایند، خانواده‌ها در اکثر جوامع امروزی اغلب به‌عنوان میانجی در انتقال افراد به نهادهای مدنی وارد عمل می‌شوند؛ از این رو امروزه مطالعه ساختار و کارکردهای خانواده در جامعه‌شناسی سیاسی از اهمیت بسزایی برخوردار است.

نهاد خانواده از لحاظ ساختار، عملکرد، نحوه شکل‌گیری، عناصر تأثیرگذار بر آن و همچنین شیوه تأثیرگذاری این نهاد بر دیگر ابعاد زندگی اجتماعی مورد مطالعه جامعه‌شناسان قرار گرفته است. در همین خصوص پرسشی که در جامعه‌پذیری سیاسی وجود دارد این است که جامعه‌پذیری چیست و چه ضرورتی دارد، به اهمیت نهاد خانواده و نقش آن در جامعه‌پذیری سیاسی از این واقعیت نشأت می‌گیرد که همه انسان‌ها آن را تجربه کرده و ارکان اصلی هویت و شخصیت افراد در خانواده شکل می‌گیرد. این تأثیرگذاری به‌قدری گسترده و عمیق است که بسیاری از افراد خصوصیات شکل گرفته در کانون خانواده را تا آخر عمر همراه خود دارند و در واقع آن‌ها در تمامی افکار و رفتارهای خود در زمینه‌های زندگی فردی و جمعی متأثر از آن شخصیت شکل گرفته هستند. مهم‌ترین هدف جامعه‌پذیری سیاسی انتقال ارزش‌های نظام سیاسی به نسل‌های آتی است که نخبگان قدرت سیاسی در حوزه‌های مختلف تلاش دارند با فعال‌سازی مجاری اولیه و ثانویه سازوکار انتقال ارزش‌ها، شرایط را برای حفظ ثبات و تداوم حیات اساسی به کار گیرند. به واسطه چنین اهمیتی، تحقیقات بسیاری در این خصوص صورت گرفته است و منابع متعددی به فارسی و زبان‌های غیرفارسی به آن پرداخته‌اند.

۱۶۳

مهم‌ترین ارزش‌هایی که نظام سیاسی به آن‌ها نیاز مبرم دارد ارزش‌هایی هستند که حیات و ثبات و امنیت آن را تضمین می‌کنند. در جامعه و حکمرانی اسلامی علاوه بر ارزش‌های فوق ارزش‌هایی همچون حفظ و ارتقای ارزش‌های دینی و گسترش آن نیز تأکید می‌شود. توسعه سیاسی یکی از ابعاد مهم توسعه ملی تلقی می‌شود که در آن، آزادی بیان و امکان مشارکت سیاسی داوطلبانه و مسئولانه در عرصه سیاسی از طریق تقویت جامعه مدنی و کارکردهای آن در برابر عرصه اقتدار نهاد دولت و عضویت در سازمان‌ها و احزاب سیاسی و مشارکت سیاسی و حق رأی و انتخابات و آزادی فعالیت سیاسی وجود دارد.

در خصوص وظایف خانوادگی، زن و مرد با توجه به امکانات و ظرفیت‌های جسمی و

روحی خود وظایف متفاوتی دارند و بر این اساس شعار «برابری جنسیتی» که برخی به صورت مطلق بیان می کنند غلط و آنچه صحیح است «عدالت جنسیتی» است. ایشان با اشاره به مفهوم عدالت، یعنی قرار دادن هر چیز در جای خود، وظایف اختصاصی زن مانند فرزندآوری و پرورش فرزند را متناسب با ساخت روحی، جسمی و عاطفی زن بوده می گوید: اگرچه وظایف خانوادگی زن و مرد متفاوت است؛ اما حقوق خانوادگی آنها بنا بر تصریح قرآن کریم یکسان است. ایشان خانه را محل آرامش و آسایش زن خواند و تأکید کرد: رفتارهای بد شوهر مانند بددهانی یا آسیب زدن جسمی به هیچ وجه قابل قبول نیست (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای، ۱۴۰۲/۱۰/۶). ایشان راه مواجهه با این گونه آسیب های درون خانواده را تصویب قوانین حاوی مجازات سخت تلقی و با اشاره به در جریان تصویب بودن قانونی در مجلس، گفتند: این قانون باید دنبال شود و ما هم سفارش می کنیم تا مجازات سختی برای مردانی که محیط خانه را برای زن ناامن می کنند، در نظر گرفته شود.

رهبر انقلاب شایسته سالاری را تنها ملاک واگذاری مسئولیت های اجتماعی و سیاسی به زنان و مردان تلقی و می گوید: درجایی مانند وزارت یا نمایندگی مجلس اگر بانوی مجرب و کارآمد بهتر و شایسته تری وجود دارد، از نظر اسلام هیچ محدودیتی برای تصدی او وجود ندارد (دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای ۱۴۰۲/۱۰/۶). ایشان شرط حضور زنان در مشاغل را محروم نشدن آنها از مشغله اساسی زنانه، یعنی خانه داری و فرزند آوری و مادری خوانده و می گوید: حتی برخی مشاغل مانند پزشکی و معلمی برای زنان و دختران واجب کفایی است و اگر گاهی اشتغال زن با خانه داری، فرزند آوری و لوازم آن، تعارض پیدا می کند، مسئولان کشور باید راه حلی پیدا کنند که هیچ یک از این دو وظیفه زمین نماند. ایشان افزود البته این وظایف قابل جمع است همچنانکه زنان نخبه و موفقی را در بخش های علمی و اجرایی می شناسیم که فرزندان خوبی نیز تربیت کرده اند (۱۴۰۲/۱۰/۶).

۱۶۴

چالش های فرار روی زنان

بی حجابی و عریانی زنان به مثابه فرو کاستن زن در حد یک حیوان جنسی

مقوله عریانی زنان، پدیده ای شگرف است که بی تردید محصول نظام سرمایه داری است. پوشیدگی زنان و مردان ادعای نوعی هویت و شخصیت انسانی به آنهاست و تا سال های ۱۹۵۰ پدیده عریانی و کشف اندام زنان در اروپا و امریکا و انگلستان رایج نبوده است. امروزه و در آینده چالش عریانی زنان و نمایش اندام آنها تهدیدی بزرگ و خطرناک برای عفت

عمومی جامعه و زوال خانواده و همسری و افزایش بحران‌های اخلاقی در جوامع بشری است.

افزایش خشونت جنسی و تحقیر زنان و بانوان و بحران هویت و شخصیت انسانی وی در قالب کالای جنسی

با نگاهی به آینده احتمالاً تا سال ۲۰۴۵ میلادی بخش مهمی از زنان در دنیا مورد خشونت جنسی قرار خواهند گرفت، در برده‌داری مدرن کنونی، سالیانه میلیون‌ها زن و دختر قاچاق می‌شوند. زنان و دختران ۵۵ درصد از ۲۰/۹ میلیون نفری که به بیگاری گرفته می‌شوند و نیز ۹۸ درصد از ۴/۵ میلیون نفری که مورد بهره‌برداری جنسی قرار می‌گیرند تشکیل دهند (International labour organization, 2012).

جهانی‌شدن تجارت سکس، گسترش روسپیگری، توریسم سکس، بیماری‌های واگیردار سکسی مانند بیماری خطرناک ایدز و نازایی و رواج وحشتناک هرزه‌نگاری امروزه در ردیف تجارت سودآور جهانی، یعنی نفت و گاز، تجارت تسلیحات نظامی و تجارت مواد مخدر قرار دارد و صنعتی شدن تجارت سکس در چند دهه گذشته میلیون‌ها زن و کودک بی‌پناه را به‌مثابه کالایی در اختیار انسان‌های حیوان‌نمای شهوتران قرار داده و در این میان دولت‌های امریکا، انگلستان، هلند، فرانسه، روسیه، ایتالیا و در آسیا کشورهای تایلند، هند، فیلیپین، ژاپن، تایوان و برمه کانون‌های اصلی تجارت جنسی می‌باشند و بر اساس برآورد یونیسف یک میلیون کودک در هر سال وارد تجارت سکس می‌شوند (Rabinson, 1998, p.1) و به تعبیر هنسن، داستان سیندرلا واضح‌ترین و دقیق‌ترین شکل کالا گونگی زنان و زمینه روان‌شناختی در جوامعی مانند ایالات متحده امریکا برای ایجاد بازار انبوه کالا و رقابت انبوه جنسی تلقی می‌شود (۱۳۸۱).

در خصوص خشونت جنسی علیه زنان به‌طور کلی ۳۵ درصد از زنان جهان مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند و ۲۸ درصد از قتل زنان را همسر یا معشوقه آنها انجام داده‌اند ... برآوردهای محتاطانه حاکی از آن است که در طول جنگ بوسنی هرزگوین از سال ۱۹۹۲ تا ۱۹۹۵ حدود ۲۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ زن مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند و در نسل‌کشی رواندا حدود ۲۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ زن و دختر مورد تجاوز جنسی قرار گرفته‌اند (وزارت دفاع انگلستان، ۱۳۹۶، ص. ۵۸).

فروپاشی خانواده زنگ خطر فروپاشی اجتماعی

یکی از تهدیدها و آسیب‌های مهم امروزی اجتماعی در جوامع مختلف، بروز زمینه‌های فروپاشی خانواده از طریق نوع نگاه به خانواده و تلاش برای جدا کردن زنان از نقش‌های اصلی و زیربنایی در درون خانواده است. به‌طور طبیعی فروپاشی خانواده در قالب منطقی آن زمینه‌ساز

افزایش آسیب‌های اجتماعی خطرناک شده و متعاقب آن جرائم و کج‌روی‌های خطرناکی در جامعه اتفاق خواهد افتاد، متأسفانه فرهنگ غالب جهانی امروز خطر فروپاشی خانواده‌ها را آسان می‌شمرد و پیدایش زنان خیابانی و آثار خطرناک آن را مهم نمی‌داند و مسئله عفاف، عصمت و پاک‌دامنی و ناموس را بی‌اهمیت تلقی می‌کنند. اصولاً نظام فرهنگی غرب، زن را مالک پاک‌دامنی خود می‌شناسد و پس از ازدواج این مالکین میان زن و شوهر تقسیم می‌کند و در صورتی که ذات اقدس الهی در شریعت اسلام، عفاف و عصمت زن را از آن زن یا مشترک بین او و شوهر نمی‌داند، بلکه بالاتر آن را حق خداوند می‌داند. به دیگر سخن، اگر شخصی به عفت زنی تعدی کند، محکمه شرع، حکم قطعی اغماض‌ناپذیری برای او صادر می‌کند، خواه زن، شوهر، پدر و مادر او رضایت بدهند یا رضایت ندهند؛ زیرا ناموس و عفاف زن جزء حقوق الهی است و این فضیلت بزرگی برای زنان است. در نظام فکری حقوقی غرب، عصمت و عفاف و ناموس زن، مانند چادر اوست، مادامی که زن به تجاوز کار رضایت ندهد، محکمه او را تعقیب نمی‌کند و اگر رضایت به تصرف داد، محکمه از تعقیب صرف‌نظر می‌کند و فروپاشی خانواده از همین جا آغاز می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷۸).

بحران هویت و افزایش افسردگی‌ها و خودکشی در جوامع

بحران هویت و سرگردانی در معنایابی خویشتن، افسردگی و اختلالات روحی روانی زنان، کودکان و نوجوانان در جوامع توسعه‌یافته غربی و حتی در جوامع در حال توسعه از بحران‌های مهم اجتماعی بسیار خطرناک حال و آینده تلقی می‌شود؛ و یکی از دلایل بسیار مهم چنین پدیده‌های زوال نقش زنان به‌عنوان مادر در خانواده و فروپاشی مهربانی و احساس هویت و شخصیت و احترام در درون خانواده است. هربرت هندین روانکاو آمریکایی، نرخ بالای خودکشی در سوئد را با بی‌تفاوتی مادران سوئدی در قبال فرزندانشان مرتبط می‌داند. مادران سوئدی دوست دارند به‌جای مراقبت از فرزندانشان به سرکارشان برگردند. آن‌ها در ابراز عاطفه به کودکانشان کوتاهی می‌کنند. انتظارانشان از فرزندانشان بسیار بالاست؛ لذا آن‌ها را به استقلال زودرس سوق می‌دهند. کودکان سوئدی باید خیلی زود از مادرانشان جدا شده و روی پای خود بایستند و این امر به‌نوبه خود به تضادهای روانی و در نهایت منجر به خودکشی می‌شود. همچنین بر اساس مطالعاتی که در غرب صورت گرفته است، کودکان از طلاق والدین، آسیب‌های روحی جدی و شدیدی می‌بینند که تا سالیان درازی در خاطرشان باقی‌مانده و تأثیر آن در زندگی آن‌ها مشهود است و این مسئله برای پژوهشگران غیرقابل‌پیش‌بینی بود (Wallerstein & Blakeslee, 1989- 1999).

اختلال در مدیریت رفتارهای جنسی مناسب و آرامش بخش

عدم وفاداری به همسری و زوجیت و خیانت‌های مرد و زن نسبت به همدیگر در بسیاری از کشورهای توسعه‌یافته امری هنجاری و تبدیل به یک خرده فرهنگ خطرناک شده است که علاوه بر ایجاد بحران در میان فرزندان و به مخاطره افتادن سرنوشت آن‌ها، کاهش اعتماد و سرمایه اجتماعی مثبت در جوامع را فراهم می‌نماید. تنظیم و مدیریت رفتار جنسی خردمندانه از کارکردهای مهم خانواده که از سوی بسیاری از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان مورد تأکید قرار گرفته است؛ اما در حال حاضر در غرب به دلیل فروپاشی خانواده بحران‌های عاطفی و اخلاقی در حال توسعه گسترش است و این مسئله به دلیل ارضا نشدن نیازهای عاطفی و احساسی افراد است که در بیرون از محیط خانواده و به‌دوراز روابط گرم و محبت‌آمیز رشد کرده‌اند. افرادی که در بیرون از خانواده جامعه‌پذیر شده‌اند ارزش‌های اخلاقی در آن‌ها به‌طور کامل درونی نشده و لذا به انحطاط کشیده می‌شوند. از بین رفتن حیا و عفاف در میان دختران و زنان در کشورهای غربی باعث گسترش فساد و بی‌بندوباری در این کشورها شده است.

تغییر الگوی تشکیل خانواده در جامعه آمریکایی، به‌ویژه از دهه ۱۹۶۰ به بعد، یکی از تغییراتی است که می‌توان آن را در منظومه دلالت‌های هستی‌شناسی فردگرا بر سبک زندگی آمریکایی - که در حال تبدیل به نسخه‌های جهانی است - در نظر گرفت. این تغییر، به‌طور مشخص در رویگردانی از الگوی سنتی و متعهدانه ازدواج به الگوی فردگرایانه همباشی است. با کاهش نرخ ازدواج، سهم بزرگ‌سالان آمریکایی - که تاکنون با یک شریک، آن‌هم به‌صورت ازدواج‌نکرده زندگی می‌کنند - افزایش یافته است. بر اساس این تغییرات، اغلب آمریکایی‌ها زندگی به‌صورت همباشی را حتی برای آن‌هایی که اصلاً تصمیم به ازدواج ندارند، امری مقبول و مورد پذیرش می‌دانند. تغییر نرخ همباشی و ازدواج، نگرانی‌ها را در مورد آنچه با عنوان «عقب‌نشینی از ازدواج» یا «نهادپنه‌سازی» ازدواج بیان می‌شود، برانگیخته است. در حال حاضر، ازدواج جایگاه بسیار کمتری در جامعه آمریکا دارد و همباشی بدون ازدواج، به‌طور گسترده‌تری (حتی به‌عنوان امری بهنجار) از ابتدای نوجوانی و جوانی، پذیرفته شده است. از سال ۱۹۹۵، نرخ همباشی در تمامی گروه‌های سنی افزایش داشته است؛ در حال حاضر نیز حدود ۱۲ درصد از جوانان زیر ۳۰ سال (در مقایسه با ۵ درصد در سال ۱۹۹۵)، ۹ درصد از بزرگ‌سالان ۳۰ الی ۴۹ سال و ۴ درصد از بزرگ‌سالان ۵۰ سال و بالاتر، به‌صورت همباشی زندگی می‌کنند. طبق تحلیل مرکز تحقیقات پیو بر پیمایش ملی رشد خانواده، سهم بزرگی از بزرگ‌سالان جامعه آمریکایی در نسبت با ازدواج، هم‌باشی داشته و آن را در زندگی خود

تجربه کرده‌اند؛ ۵۹ درصد از بزرگسالان سنین ۱۸ الی ۴۴، در برهه‌ای از زندگی خود با یک شریک به‌صورت ازدواج نکرده زندگی کرده‌اند، درحالی که ۵۰ درصد از آن‌ها ازدواج کرده‌اند. نقطه مقابل در سال ۲۰۰۲ است که ۵۴ درصد از بزرگسالان در این گروه سنی، همبازی داشته و ۶۰ درصد، ازدواج کرده بودند (مهربانی فر، ۲۰۲۲).

تغییر و زوال ماهیت مفهوم مادری

روندهای جاری بر تحولات و تغییرات شتابان فرهنگ و سبک زندگی زمینه زوال مفهوم جاری مادر بودن و مادری را فراهم کرده است؛ و مادر که در خانواده در کنار نقش همسری، نقش پرورشی و مهرورزی و تکوین کانون محبت و آرامش را برای فرزندان ایفا می‌نماید. عملاً از گردونه ایفای این نقش به دورمانده و بسیاری از زوج‌های کشورهای غربی، تمایلی به داشتن فرزند نداشته و به‌جای آن به پرورش سگ و گربه و برخی از حیوانات در خانواده اقدام می‌نمایند و در بسیاری موارد هم زنایی که فرزندآوری هم داشته‌اند در بازه زمانی کوتاه از مردان متعددی به دلیل طلاق صاحب فرزند شده و عملاً فرزندان خود را رها کرده‌اند و این پدیده باعث افزایش پانسیون‌ها و مراکز نگهداری کودکان نامشروع و شبه یتیم در اروپا شده است. ایالات متحده آمریکا، ایتالیا، فرانسه و آلمان و انگلستان در این عرصه از رشد خطرناک و بحرانی برخوردار هستند.

عدم شکل‌گیری تربیت و پرورش مؤثر برای فرزندان و کودکان

زوال نقش منطقی و طبیعی زنان در درون خانواده به دلیل فروپاشی این نهاد بنیانی اجتماعی علاوه بر اختلالات بسیاری که برای زن و مرد و همسران ایجاد کرده، زمینه‌ساز عدم شکل‌گیری تربیت و پرورش مؤثر برای فرزندان و کودکان و نوجوانان است. به نظر می‌رسد، بسیاری از اختلالات رفتاری کودکان و نوجوانان در جوامع توسعه‌یافته به دلیل عدم ایفای نقش مؤثر زنان در خانواده و فروپاشی نهاد خانواده است.

گسترش لجام‌گسیخته جرم و جنایت

تغییرات منفی در هویت انسانی زن در جامعه، افزایش طلاق و فروپاشی خانواده زمینه‌ساز گسترش لجام‌گسیخته جرم و جنایت و بزهکاری مانند سرقت، کلاه‌برداری، آدم‌کشی و قتل در جوامع توسعه‌یافته و صنعتی غرب است، مطالعه‌ای که در آمریکا انجام شد، حاکی از هم‌بستگی قوی میان افزایش مشکلات جوانان و تغییرات خانواده به‌ویژه اکولوژی تربیت

کودکان است. در سوئد نرخ خودکشی بین سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۵ برای مردان ۱۵ تا ۲۴ ساله دو برابر شده است. به‌رغم تلاش‌های روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان برای پیشگیری از جرائم و جنایت در کشورهای غربی، هنوز چشم‌انداز روشن و امیدوارکننده‌ای برای آینده سالم جوانان و خانواده در این عرصه مشهود نیست.

تبعیضات شغلی

واقعیت‌های حاکم بر مناسبات مؤسسات و شرکت‌های تجاری در عصر جهانی‌شدن اقتصاد و نظام سرمایه‌داری حاکم بر جهان حاکی از وجود تبعیض بارز در فرصت‌های شغلی و متعاقب آن بهره‌مند شدن از عدالت اقتصادی و عدالت توزیعی و اجتماعی در میان زنان در جوامع مختلف است و اکنون چشم‌انداز روش و امیدبخشی برای برطرف شدن این تبعیضات مشاهده نمی‌شود. نوع نگرش حاکم بر زن و نقش‌های وی در گفتمان حاکم بر مناسبات اجتماعی و روابط اقتصادی به‌گونه‌ای است که تا تحولی عمیق در فردگرایی افراطی و آزادی فردگرایانه در مکتب لیبرال دموکراسی ایجاد نشود وضعیت و موقعیت زنان در جامعه آینده جهانی موقعیتی نامناسب و تبعیض‌آمیز خواهد بود.

آزار و اذیت جنسی در محیط کار

یکی از چالش‌های عمده در مسیر بررسی این شاخص دشواری در دستیابی به گزارش‌ها و آمار مرتبط با آن است و بر اساس اسناد بین‌المللی طیف وسیعی از زنان بنا به دلایل شغلی (ترس از دست دادن شغل) یا فردی و اخلاقی (نگرانی از برچسب خوردن) آن را پنهان می‌کنند. بر اساس گزارش سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۵) بین ۴۰ تا ۵۰ درصد از زنان در کشورهای اتحادیه اروپا، در محیط کار خود تجربیات ناخواسته و اجباری آزار و اذیت جنسی و دیگر اشکال خشونت جنسی را دارند. در کشورهای آسیایی این آمار به میزان ۳۰ تا ۴۰ درصد است. در یک جمع‌بندی کلی تبعیض و نابرابری در اشتغال و محیط شغلی همچون نابرابری در دستمزد، نمودی از نقض کدهای اخلاقی مرتبط با قوانین اشتغال و کنوانسیون‌های بین‌المللی و نابرابری جنسیتی در امنیت شغلی و بالا بودن نرخ آزار جنسی زنان در محیط شغلی نیز نمودی از نقض اخلاق در معنای فردی و رفتاری تلقی می‌شود.

تحقیقات اندکی درباره فراوانی آزار جنسی درون سازمان ملل وجود دارد. یک نظرسنجی درون این نهاد بین‌المللی نشان می‌دهد که تقریباً ۱۰ درصد از ۴۲۷ مصاحبه‌شونده آزار و اذیت

جنسی را تجربه کرده‌اند؛ اما فقط دو نفر آن را گزارش کرده‌اند. گاردین موفق شده با چندین قربانی آزار جنسی در سازمان ملل گفتگو کند. سه زن از میان زنانی که با گاردین مصاحبه کردند مورد سوءاستفاده و تجاوز جنسی واقع شده‌اند. آن‌ها این موضوع را به مقامات اطلاع داده و شکایت تنظیم کرده‌اند؛ اما در هر سه مورد به نحوی از کار خود اخراج شده‌اند یا به دادرسی آن‌ها رسیدگی نشده است. از ۱۵ نفر دیگر که با گاردین گفتگو کرده‌اند، ۷ نفر اعلام کرده‌اند در پنج سال گذشته به‌طور مستمر یا مقطعی تحت آزار یا سوءاستفاده بوده‌اند؛ ولی ترس از دست دادن شغل و البته بی‌اعتمادی به سیستم رسیدگی به شکایات باعث شده تا آن‌ها در این باره اقدامی نکنند. آنتونیو گوترش، دبیر کل سازمان ملل و جان مارگریت بیگل، مدیر دفتر او به این مسائل پاسخ داده و گفته‌اند آرمان آن‌ها تحقق سیاست «سکوت صفر» است، به این معنا که هیچ زنی در این باره سکوت نکند و البته هیچ آزاری هم وجود نداشته باشد. طبق قوانین، سازمان ملل سیستم رسیدگی به شکایات داخلی دارد و کارمندان آن به سیستم قضایی کشور محل کارشان نمی‌توانند شکایت کنند؛ اما از آنجا که مدیران سازمان ملل مصونیت قضایی دارند این مسئله اقدام علیه آنان را کند یا غیرممکن می‌سازد. باین حال سازمان ملل مدعی است که چنانچه شواهد کافی وجود داشته باشد متخلفین را به دستگاه قضایی و مقامات دولتی آن کشور ارجاع می‌دهد. زنانی که مورد آزار واقع شده‌اند، صد درصد معتقدند: سیستم رسیدگی به شکایات در سازمان ملل بسیار ناقص عمل می‌کند و در بسیاری از مواقع بانفوذی که مدیران ارشد در این سیستم دارند دادخواهی شما به جایی نمی‌رسد و فقط باعث می‌شود شغل خود را از دست بدهید. جان مارگریت بیگل در این باره می‌گوید سیستم رسیدگی به شکایات سازمان ملل را مدیران و افراد قدرتمند نوشته‌اند؛ پس طبیعی است که به نفع افراد آسیب دیده عمل نکنند. هفت نفر از زنان جسارت به خرج داده‌اند و تمامی موارد آزار را با جزئیات گزارش کرده‌اند؛ اما زنی که سمت مشاور در یکی از دفاتر سازمان ملل را دارد، می‌گوید: اگر شما آزار را گزارش دهید نه تنها مورد اقبال و رسیدگی قرار نمی‌گیرید، بلکه تهدید یا اخراج هم می‌شوید؛ اما عاملان آزار و تجاوز در سمت خود باقی می‌مانند... (خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶).

نقش‌های سیاسی

به‌رغم به رسمیت شناخته شدن حقوق سیاسی زنان در بسیاری از کشورهای جهان و امکان فعالیت و مشارکت سیاسی و ورود به احزاب سیاسی و رقابت‌های سیاسی و گرفتن مناصب

سیاسی و مدیریت سیاسی، زنان دارای نقش دوم سیاسی و در ذیل حاکمیت گفتمان مردسالارانه قرار دارد و این واقعیت زمینه‌ساز تولید اختلال در فعالیت‌های سیاسی زنان در جوامع مختلف از جمله جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. البته موانعی فراروی زنان در ایفای نقش سیاسی در ایران وجود دارد که بخشی معطوف به ساختار سیاسی و قوانین است؛ مانند کاربست کلمه راجل سیاسی در متن قانون اساسی برای شروط سمت ریاست جمهوری که تفسیر مذکر از آن و شروط ولایت فقیه و مرجع تقلید و خبرگان رهبری و عدم امکان حضور زنان در شورای نگهبان قانون اساسی بر اساس اصل ۱۱۰ و حاکمیت رویکرد مردسالاری بر نظام جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تأسیس آن (واعظی و علی حسینی، ۱۴۰۲) شایان توجه است که در دولت پزشکیان ایشان توانسته است بیشترین تعداد بانوان را در مناصب اجرایی کشور پس از پیروزی انقلاب اسلامی منصوب و به کار بگیرد.

جدیدترین گزارش‌های شاخص شکاف جنسیتی (۲۰۲۰ و ۲۰۲۱) حاکی از آن است که ایران در سطح جهانی، در بین ده کشور پایین جدول قرار دارد. در شاخص شکاف جنسیتی، ایران در مقایسه با کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا (در جایگاه شانزدهم یعنی نزدیک کشورهای سوریه، عراق و یمن) قرار دارد و دارای جایگاهی پایین‌تر از بحرین، امارات، عربستان، عمان، ترکیه، ارمنستان و آذربایجان است؛ به نحوی که سایر کشورهای منطقه (البته جز افغانستان، پاکستان، یمن و عراق) حداقل در یک زیرشاخص محاسبه شده، جایگاهی بهتر از ایران یافته‌اند و متأسفانه ایران نه تنها جزو ده کشور برتر منطقه از نظر برابری جنسیتی نیست، بلکه در زمره پنج کشور انتهایی این فهرست به شمار می‌رود (واعظی و علی حسینی، ۱۴۰۲).

طبق گزارش سازمان جهانی اقتصاد از مطالعه وضعیت زنان سیاستمدار در ۱۴۶ کشور نتایج زیر به دست آمده است، ۶۸ کشور، ۳۵ درصد از کل کشورهای مستقل جهان (طی پنجاه سال گذشته توسط حداقل یک زن اداره شده است) و در بیش از ۹۵ درصد از کشورها، زنان در کابینه دولت حضور دارند. در چهار کشور فرانسه، فنلاند، سوئد و نروژ نیز تعداد زنان حاضر در کابینه دولت در مقایسه با مردان، ۵۰ درصد یا بیش از ۵۰ درصد بوده و روآندا و بولیوی دو کشوری هستند که شمار زنان در پارلمان آن‌ها بیش از مردان بوده است. در روآندا ۶۴ درصد و در بولیوی ۵۳ درصد از نمایندگان پارلمان را زنان تشکیل می‌دهند. در مجموع در سراسر جهان، زنان ۲۰ درصد از ترکیب دولت‌ها و ۲۲/۶ درصد از ترکیب قوه مقننه را تشکیل می‌دهند و در جهان فقط در یک کشور، یعنی یمن هیچ زنی در پارلمان ملی حضور ندارد. در نگاهی کلان، اروپا قاره‌ای است که در بیشتر کشورهای آن، زنان در قدرت سهم

هستند. در این قاره اکنون چهارده کشور را زنان اداره می‌کنند و زنان سیاستمدار در کشورهای شمال قاره اروپا بیشتر هستند. در این زمینه ایرلند، ایسلند، نروژ، فنلاند و کشورهای بالتیک (لیتوانی، لتونی و استونی) در صدر قرار دارند؛ چنانکه در ایرلند، قدرت برای ۲۱ سال و در ایسلند به مدت ۲۰ سال در دست زنان بوده و در نروژ و فنلاند دوره زمامداری به ترتیب ۱۲ و ۱۳ سال در دست رئیس دولت زن بوده است. تاکنون رئیس دولت‌های زن ده سال در لیتوانی، هفت سال در لتونی و چهار سال در استونی بر مسند قدرت بودند بر اساس گزارش ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ در مورد شاخص جهانی شکاف جنسیتی در جهان نیز برترین‌ها از کشورهای پیشرفته اروپای شمالی هستند و چهار رتبه نخست به کشورهای اروپای شمالی (ایسلند، نروژ، فنلاند و سوئد) تعلق گرفته است (واعظی و همکار، ۱۴۰۲)؛ و در همین سال‌های اخیر، آنگلا مرکل ۱۸ سال صدراعظم آلمان بود و توانست تحت رهبری‌های خود آن کشور را در ردیف کشورهای توسعه‌یافته با رفاه اجتماعی بالا قرار دهد.

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالبی که پیرامون جایگاه زن در گفتمان و مکتب اسلام و گفتمان مدرنیته غربی و نقش‌های کارکردی شایان توجه زن در خانواده و اجتماع موردبررسی قرار گرفت، یافته‌ها و موارد زیر به دست آمد:

الف) زن در گفتمان و مکتب اسلام

- زن در مکتب اسلام، فارغ از جنسیت، هویت و شخصیتی انسانی، مانند مرد داشته و در کنار مرد از حقوق و کرامت انسانی والایی برخوردار است.
- زن در مکتب اسلام از حقوق مالکیت، آزادی انسانی، حقوق اجتماعی، سیاسی، فرهنگی معلمی برخوردار است.
- مهم‌ترین نقش‌های زن در مکتب اسلام عبارتند از: نقش‌های مادری، همسری، تربیتی و مربی بودن برای اجتماع و تقویت‌کننده بنیان‌های خانواده و اجتماع سالم و پویا.
- مهم‌ترین چالش‌های زنان در مکتب و گفتمان اسلامی عبارتند از: تبعیضات ناروای عرف سنتی از زن به‌عنوان نفر دوم ضعیف تلقی شده بعد از مردان، تضییع حقوق اجتماعی و سیاسی در برخی موارد، فرصت‌های اندک اشتغال و مدیریت در رده‌های بالای نظام‌های مدیریت سیاسی و اقتصادی، وجود خرده‌فرهنگ مردسالاری در بسیاری از جوامع اسلامی، وجود بحران هویتی در برابر تهاجم گفتمان و فرهنگ غربی در سبک زندگی و پوشش.

ب) زن در گفتمان و مکتب مدرنیته غربی

- در گفتمان و مکتب مدرنیته غربی، زن و هویت و شخصیت انسانی و الهی وی از طریق کشف پوشش و حجاب و عریانی اندام‌های وی، شخصیت و هویت انسانی و الهی وی را در حد یک کالای جنسی تنزل داده‌اند.

- در گفتمان و مکتب مدرنیته غربی، نقش‌های مهم، همسری، مادری، تربیتی و مربی بودن وی در بوته فراموشی مانده و زمینه‌های زوال و فروپاشی خانواده فراهم شده و جوامع غربی با بحران‌های معنوی و اخلاقی فزاینده‌ای مانند:

آزار و اذیت جنسی و تجاوز به عنف در محیط‌های کار، تجاوز به محارم، افزایش نرخ خودکشی و افزایش نرخ بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی و جرم و جنایت مواجه هستند.

- به‌رغم به رسمیت شناخته شدن حقوق و آزادی‌های مدنی و حضور گسترده زنان در عرصه‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و اقتصادی در غرب، زنان در مقایسه با مردان، مواجه با چالش‌های متعددی در ابعاد فرهنگی، جنسیتی و هویتی، انسانی، حقوقی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی قرار داشته و به‌عنوان جنس درجه دوم در جامعه حضور داشته و مورد تبعیضات ناروایی قرار می‌گیرند.

- تجارت جهانی سکس و قانونی شدن آن یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌های مدرنیته و تمدن غربی در حق زنان است، پدیده تجارت سازمان‌یافته جهانی سکس پس از تجارت جهانی انرژی (نفت و گاز) تجارت سلاح و تجهیزات نظامی و تجارت مواد مخدر، به‌عنوان نماد برده‌داری نوین جنسی در ردیف یکی از بزرگ‌ترین اقتصاد جهانی قرار گرفته است.

- قانونی شدن هم‌جنس‌گرایی در بسیاری از کشورهای غربی و اروپایی و ایالات متحده آمریکا به‌مثابه نماد اضمحلال فضائل اخلاقی و فروپاشی خانواده پایدار و آرامش‌بخش.

۱۷۳

ملاحظات اخلاقی

حامی مالی: مقاله حامی مالی ندارد.

مشارکت نویسندگان: نویسنده به تنهایی در آماده‌سازی مقاله نقش داشته است.

تعارض منافع: بنا بر اظهار نویسنده در این مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی وجود ندارد.

تعهد کپی‌رایت: طبق تعهد نویسنده حق کپی‌رایت رعایت شده است.

منابع

- اعتصامی، پروین (۱۳۸۳). دیوان اشعار. تهران: انتشارات اوسان.
- امام خمینی، سید روح الله (۱۳۸۹). صحیفه امام. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امینی، پرویز (۱۴۰۲). گفتارهایی در الگوی رفتار انتخاباتی جامعه ایرانی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع).
- باقری، معصومه، حسین زاده، علی حسین، بهرام پور، سمیه و بهمنی سجاد (۱۳۹۳). بررسی عوامل مؤثر بر جایگاه زنان در ساختار قدرت خانواده (مورد مطالعه: زنان متأهل شهر آبادان). فصلنامه توسعه اجتماعی، ۱(۹)، ۲۰۴-۱۸۷. doi: 20,1001,1,25383205,1393,9,1,8,7.
- ترابی، یوسف (۱۳۹۲). سبک زندگی، زنان، عفاف و حجاب به مثابه قدرت نرم. مجموعه مقالات قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران. به کوشش ناصر جمالزاده، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق^(ع)، چاپ اول.
- جراحی، اکرم (۱۳۹۵). جهانی شدن فرهنگ و چالش های فراروی خانواده و زنان در ایران. فصلنامه چالش های جهان سوم، ۲(۱)، شماره پیاپی ۵، ۱۲۲ - ۹۷.
- <https://ensani.ir/fa/article/384429>
- جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۹). زن در آئینه جلال و جمال. قم: مرکز نشر اسراء، چاپ بیستم.
- حداد عادل، غلامعلی (۱۳۶۸). فرهنگ برهنگی و برهنگی فرهنگی. تهران: انتشارات سروش.
- خامنه ای، سید محمد (۱۳۷۹). زن، خانواده و اسلام. کتاب نقد، ۱۷.
- <https://ensani.ir/fa/article/68113>.
- خبرگزاری تسنیم، (۱۳۹۶/۸/۱۱). ناگفته هایی از آزار جنسی کارکنان سازمان ملل. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1396/11/08/1640708/>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (۱۳۸۸/۷/۲۸). بیانات در دیدار جمعی از بانوان قرآن پژوه کشور. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=8259>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (۱۳۸۴/۵/۵). بیانات در دیدار جمعی از مداحان. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=3298>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (۱۴۰۱/۱۰/۱۶). درس های نهج البلاغه / جایگاه زن در خانواده. <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=51667>
- دفتر حفظ و نشر آثار آیت الله خامنه ای (۱۳۹۲/۱۱/۲). <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=49432>

- دورانت، ویل (۱۴۰۱). لذات فلسفه. ترجمه عباس زریاب خویی، تهران: انتشارات نگاه.
- شایگان، سید علی (۱۳۹۶). شرح جامع قانون مدنی ایران. تهران: انتشارات مهر کلام.
- طباطبائی، محمدحسین (۱۳۶۸). تفسیر المیزان. ترجمه موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۵). عصر اطلاعات، ظهور جامعه شبکه‌ای. ترجمه احد علیقلیان و افشین خاکباز، تهران: انتشارات طرح نو.
- کوهن، تامس (۱۳۶۹). ساختار انقلاب‌های علمی. ترجمه احمد آرام، تهران: انتشارات سروش، چاپ اول.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۴). جامعه‌شناسی. ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی و بردسال، کارن (۱۳۹۹). جامعه‌شناسی. ترجمه حسن چاوشیان، تهران: نشر نی.
- علامه، عاطفه (۱۳۹۳). نقش زن در ایجاد خانواده متعادل. فصلنامه زن و فرهنگ. ۵ (۲۰)، ۴۱-۵۱.
<https://ensani.ir/fa/article/433342>
- مهربانی‌فر، حسین (مهر ۱۴۰۲/۱۰). از افول تعهد ازدواج تا رشد همبازی در آمریکا.
<https://ascenter.ir/1401/02/20>
- موثقی، سید احمد (۱۳۹۴). جهانی‌شدن، ناسیونالیسم و توسعه. تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- واعظی، هدی السادات و علی حسینی، علی (۱۴۰۲). تحلیل وضعیت حضور زنان در مناصب سیاسی در جهان معاصر و ایران از دهه سوم قرن بیست و یکم. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۲۱ (۱)، ۱۹۰-۱۶۵.
<https://doi.org/10.22059/jwdp.2022.342017.1008201>
- وزارت دفاع انگلستان (۱۳۹۶). روندهای راهبردی جهان تا سال ۲۰۴۵. ترجمه وحید زارعی و قاسم فولادی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی مرکز راهبردی آینده‌پژوهی علوم و فناوری دفاعی.
- هودشتیان، عطا (۱۳۸۱). مدرنیته و جهان شدن و ایران. تهران: انتشارات چاپخش.
- Davies, C. J. (1965). The Family's Role in Political Socialization. *The Annals of the American Academy of Political and Social Science*, (361), 10-19. <https://jwdp.ut.ac.ir/news?newsCode=154>
- International Labour Organization (2012). ILO Global Estimate of Forced Labour. Results and Methodology.

- Robinson, L.N.(1998).*The Globalization of Female child prostitution*. Indiana University.
- Russell, R. (2022). Women and the ‘business’ of human rights: The problem with women’s empowerment projects and the need for corporate reform. *Business and Human Rights Journal*, 7(1), 84-99.

